



سه شنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۳ | ۱۶ صفحه | ۲۰ هزار تومان | سال سوم | شماره ۲۳۹
www.hammihaonline.ir



بازی قطر با کارت ایران
تحلیلی از **عبدالله باباخانی** کارشناس انرژی
درباره رقابت در بازار جهانی LNG



گیلان زیر آوار پسماند
استاندار و فعالان محیط زیستی از بحران پسماندها
و تهدید حیات تالاب انزلی می گویند



شمایل جهان مد نظر ترامپ
مقاله‌ای از **مایکل کیمیچ**
مدیر انستیتو کتان در مرکز ویلسون



حزب ۲۰ هزار نفره

گفت و گو با **حسین موسویان** رئیس جبهه ملی در سالروز درگذشت محمد مصدق

بررسی پیامدهای استعفای محمد جواد ظریف
که چند ساعت پس از استیضاح عبدالناصر همتی رخ داد

در انتظار اقدام دولت

سید محمود میرلوحی
معاون پارلمانی وزیر کشور در دولت خاتمی

وقتی مرحوم آقای رئیسی سر کار آمدند، تا دو سال همواره می گفتند تقصیر قبلی هاست و هنوز هم دولت روحانی را رها نمی کنند. الان هم احساس زرتگی می کنند که می توانند بگویند در این ۶ ماه همه مشکلات به وجود آمده است. اما اشتباه می کنند. پزشکبان آخرین فرصت کشور است. اینکه به زعم خودشان توانستند ظریف را جابه جا کنند به نظرشان اقدام موفقی انجام دادند. اول می گفتند ما اسب زین شده تحویل دادیم و پزشکبان سکوت کرد. اما در روز استیضاح همتی واقعیت وضعیت کشور را تشریح کرد.

سید جلال ساداتیان
سفیر پیشین ایران در انگلستان

همه می فهمند در حال حاضر چه فشاری بر دولت پزشکبان وارد می کنند. این قصه از روزی اوج گرفت که فرد منتسب به رئیس مجلس را از صندوق بازنشستگی برداشتند و آقای قالیباف هم این موضوع را کلید زد. بعد از آن بود که بهانه بیش از قبل دست پایداری چی ها افتاد که این کار را ادامه دهند که در نهایت رئیس قوه قضائیه به طرف بگوید بروید دانشگاه. حالا ببینیم آقای رئیس جمهور در این موضوع چه می کند. چون به اعتقاد من بخشی از مشکل مربوط به شخص آقای پزشکبان است. ایشان وفاق را بد فهمیده و بد اجرا می کند.

آب کابینه و مجلس به یک جوی نمی رود. این واقعیتی است که اکنون خود را نشان داده است. اکثریت مجلس، کابینه را تسلیم خود می خواهد. رئیس جمهور و کابینه اش وعده های دیگری به مردم داده اند. اختلاف رئیس جمهور و مجلس در عمر جمهوری اسلامی، داستان درازی دارد. طراحان قانون اساسی، نوعی نظام نیمه ریاستی و نیمه پارلمانی را بنا نهادند که مشخص نیست الگویشان کدام کشور بوده است. این نوع نظام حقوقی-سیاسی، منجر به تعارض رئیس جمهور و نخست وزیر در دهه اول پس از انقلاب شد. در بازنگری قانون اساسی، پست نخست وزیر حذف و بخشی از اختیارات آن به رئیس جمهور منتقل شد. مشکل اما حل نشد چون اختلاف ساختاری باز تولید شدند. به نوع تعامل رئیس جمهور و مجلس انتقال یافت. در نظام جمهوری اسلامی، مجلس و رئیس جمهور پس از عبور داوطلبان از صافی نظارت استصوابی شورای نگهبان، هر دو برای مستقیم مردم انتخاب می شوند. با این حال، اهرم قدرت در دست مجلس است؛ به صورتی که یک نماینده منفرد می تواند کابینه ای را به ستوه آورد. معمولاً دل هر وزیری از دست بسیاری از نمایندگان مجلس خون است! نمایندگان مجلس از طریق معرفی یک حزب شناسنامه دار و دارای خط مشی سیاسی روشن انتخاب نمی شوند. نوع انتخاب آنها به خصوص در شهرستان ها بعضاً تابع فرهنگ حامی پروری است؛ به طوری که بین نماینده و دایره حامیان با نفوذش، بدهبستان نانوشتی شکل می گیرد؛ بدین صورت که حامیان، وظیفه جمع آوری رأی در بین اقوام و فامیل و توده غیر سیاسی را به عهده می گیرند و طرف دیگر پس از راهیابی به مجلس، در صدد جبران برمی آید و از طریق فشار به وزارتخانه ها و ادارات و حتی شرکت های خصوصی، برای حامیان و وفاداران به خود موقعیت و شغل و رانت فراهم می کند! این موضوع از نقطه نظر منافع کلان کشور مصیبتی تمام عیار است و جز از طریق

نگاه هم میهن

موقعیت دولت پزشکبان بعد از عزل دو عضو کابینه

احمد زیدآبادی
نویسنده و مشاور هم میهن

حزبی شدن انتخابات هم مرتفع نمی شود. با این حال سال های سال است که این رویه همچنان ادامه دارد. شاید تا اندازه ای به این دلیل که تغییر قانون انتخابات، در گرو رأی نمایندگان است که خود از وضعیت جاری سود می برند! در مورد مجلس کنونی مشکل دیگری هم وجود دارد. نمایندگان این مجلس به خصوص در تهران و شهرهای بزرگ در شرایط تشدید نظارت استصوابی و قهر مردم با صندوق های رأی به مجلس راه یافته اند و به همین دلیل افرادی ناهمسو و بلکه مخالف با مطالبات عمومی جامعه و نمایندگان اقلیتی کم شمار از مردم هستند. از آن سوی ماجرا، به دلیل وقوع حادثه برای رئیس جمهور پیشین، فردی به مقام ریاست جمهوری رسیده است که با اعلام وعده های مشخص برای تغییر برخی سیاست های مخرب جاری، توانست بخشی از شهروندان ناراضی را به پای صندوق های رأی بکشاند و انتظار عملکردی مغایر با گرایش نمایندگان مجلس را در بین مردم به وجود آورد. در ابتدای کار کابینه جدید، تصور بر این بود که نوع تعامل مجلس و قوه مجریه، از طریق «وفاق» و اقناع و مدیریت قوای فرادستی، صورت منطقی به خود گیرد و وارد چالش های سیاسی بی سرانجام و کارشکنی های مغل کارآمدی نشود. رأی مجلس به تمام اعضای کابینه ترکیبی آقای پزشکبان این تصور را تقویت کرد اما این وفاق بیشتر صوری و مستعجل بود! اینک مجلس یک وزیر و یک عضو کابینه را به طور مستقیم و غیر مستقیم از مناصب خود عزل کرده و به درخواست رئیس جمهور برای نقای آنها واقعی ننهاده است. در حقیقت، مجلس به راهی قدم گذاشته است که رئیس جمهور و کابینه او را تسلیم و مطیع محض خود می خواهد و چنانچه قوه مجریه اطاعت نکند، شمشیر استیضاح علیه وزیران متمدن تیز خواهد شد. در برخی کشورهای دارای نظام ریاستی، به محض ایجاد تعارض جدی بین دو قوه مقننه و مجریه، معمولاً مجلس قانونگذاری منحل و انتخابات زودرس برگزار می شود. در نظام های پارلمانی هم انحلال مجلس و یا تغییر رئیس دولت امری متداول است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی انحلال مجلس پیش بینی نشده و عملاً این نهاد غیر قابل انحلال است. در عوض، مجلس علاوه بر اختیار رأی عدم اعتماد به عموم وزیران، از قدرت سلب صلاحیت سیاسی شخص رئیس جمهور و عزل او از مقامش نیز برخوردار است. <



هنوز زیبایی را می بینم
گفت و گو با **شان بیکر** کارگردان فیلم «آتورا»
که مهم ترین جایزه های اسکار را برد
به همراه گزارشی از انیمیشن ایرانی که اسکار گرفت

رخداد حقوق ۲۰۳
سخنگوی قوه قضائیه اعلام کرد:

حکم زندان برای دو وزیر رئیسی

جواد ساداتی نژاد
به دو سال
وسید رضا فاطمی امین
به یک سال حبس تعزیری
محکوم شده اند

سرمقاله
فساد در دولت های اصولگرا

شش سال پیش بود که با سروصدای فراوان متهمی را با عنوان رسانه ای «سلطان سکه» اعدام کردند. این اعدام از موارد نادری بود که تحت این عنوان رخ می داد. نرخ سکه از ۹۱ تا ۹۷ یعنی طی شش سال، ۳/۵ برابر شد که او را اعدام نمودند. از سال ۹۷ تا پایان دولت اصولگرا یعنی باز هم طی شش سال نرخ سکه ۱۰ برابر شده؛ ولی به کسی کاری نداشتند. پس از آن به یوزبه در دوره ریاست آقای رئیسی بر قوه قضائیه، شاهد محاکماتی فراتر از روال عادی هستیم که احکام شدید بسیاری از محکومین آن دادگاه ها و در ادامه رسیدگی های قانونی نقض، یا حتی تیره شدند. بنابراین، معلوم شد که هدف یا حداقل نتیجه عملی از آن کارها تبلیغات بوده که در انتخابات سال ۱۴۰۰ به کار آمد. اگر این تبلیغات منجر به آمدن دولتی ضد فساد و ضد رانت می شد، چندان جای نگرانی نبود؛ ولی مصداق «از قضا سرکنگبین صغرا فرود» شد و به جای کاهش فساد رکورد آن را شکستند و رتبه فساد ایران در جهان بدتر و بدتر شد. دولت رئیسی در حالت خوشبینانه گمان می کرد که حتماً ضد فساد خواهد بود؛ ولی عجیب اینکه در همان سال اول و دوم آن دولت، دو وزیرش و تعدادی دیگر از مقامات آن در پرونده های فساد، آن هم فسادهای عجیب متهم و محکوم شدند. یکی از آنها ابتدا در ماجرای فساد نهادهای دامی محکومیت جدی یافت، سپس همراه وزیر دیگر در ماجرای فساد چای دیش متهم و گویا حکم بدوی نیز علیه هر دو آنان صادر شده است و باید منتظر حکم نهایی بود. در دولت اصولگرای احمدی نژاد هم چند مقام عالی ریاست جمهوری از جمله معاون اول رئیس جمهور و معاونی دیگر به اتهامات مالی محکوم و زندانی شدند. نکته مهم این است که هر دو مورد در دولت اصولگرایان رخ داده که اتفاقاً مدعی مبارزه با فساد بودند. پرسش این است که چرا در دولت های دیگر چنین رفتاری یا حداقل در این اندازه دیده نمی شد. شاید چندین علت زیر در این مسئله تاثیر داشته باشد. <

